فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل
دوره ۴، شماره ۷، شماره پیاپی(۱۲)، پاییز ۱۴۰۳، ص ۵۴-۳۵

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی طبق الگوی ثبات هژمونیک

مجتبی اردلان مقدم[۱]، علیرضا رضایی[۲]، محمدرضا قائدی[۳]

چکیده

ناتوی آسیایی اتحاد جدیدی است که به پیشوایی ایالات متحده آمریکا به همراه کره جنوبی و ژاپن تحت خیزش چین به وجود آمده است. ضرورت مهار چین از سوی ایالات متحده آمریکا جانمایه این اتحاد جدید است. به عبارت دیگر، اگر ناتو در اروپا برای مقابله با روسیه شکل گرفت، این ناتو برای مقابله با چین تشکیل شده است. هدف واشنگتن از ایجاد این ناتو، مهار چین و در سپس تلاشی برای آزاد و باز بودن منطقه هند- پاسیفیک است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی به روش تبیینی- توصیفی است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: شکل‌گیری ناتوی آسیایی معلول چه زمینه‌ها و عواملی است؟ در پاسخ به پرسش فوق، فرضیه پژوهش آن است که: زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی معلول زمینه و عواملی چون: وجود یک تهدید مشترکی چون کره شمالی برای کره جنوبی و ژاپن و همچنین راهبرد ائتلافی پکن- پیونگ یانگ در حیات سرزمینی شبه جزیره و ضرورت مهار چین از سوی ایالات متحده آمریکا از رهگذر استراتژی ایندو- پاسفیک می‌باشد. لازم به ذکر است که روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه‌های مجازی و اینترنتی انجام شده است. پژوهش حاضر از الگوی نظری موازنه تهدید بهره برده است.

واژگان کلیدی: ناتوی آسیایی، موازنه تهدید، چین، ایالات متحده آمریکا، کره‌جنوبی، ژاپن.

---

۱ - دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲ - دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)
IR.Alirezarezaei@gmail.com
۳ - دانشیار علوم سیاسی، واحد شیراز،دانشگاه آزاد اسلامی،شیراز، ایران.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

مقدمه

در سال‌های اخیر، چین به واسطه افزایش سه برابری تولید ناخالص داخلی به قدرت بی‌بدیلی برای واشنگتن تبدیل شده است. البته تولید سه برابری چین در تولید ناخالص داخلی همه دلایل برتری چین در قبال ایالات متحده آمریکا نیست. چین قابلیت‌های ضد دسترسی را با هدف دفاع از متحدان و شرکای خود در آسیا در صورت وقوع درگیری در دستور کار قرار داده است. افزون بر این موارد، چین با لحاظ کردن تاکتیک (برش سالامی) علیه بازیگران و البته همسایگانی چون: ژاپن، هند، فیلیپین، ویتنام تلاش دارد که وضعیت هژمونی خود را در قبال ایالات متحده حفظ کند. چین نوآوری زیادی را نیز در فناوری‌های نوظهور مانند سایبری و هوش مصنوعی انجام داده است. در شرایط حاضر نیز چین تلاش دارد که با نفوذ دیپلماتیک، ژئوپلیتیک و استراتژیک خود با صرف مبالغ هنگفت پول در تامین کالاهای عمومی و ارتباطات برای کشورهای آسیایی و آفریقایی سرمایه‌گذاری کند. این شرایط موقعیت چین را در قبال ایالات متحده آمریکا در وضعیت تهاجمی قرار داده است. این شرایط چین، ایالات متحده آمریکا را به واکنش از طریق استراتژی ایندو- پاسیفیک یا استراتژی (هند- آرام) وا داشته است. در این ارتباط واشنگتن دست به ائتلافی به همراه بازیگرانی چون: کره جنوبی، ژاپن در جهت مقابله با هژمونی چین زده است. البته ائتلاف واشنگتن نیم نگاهی نیز به مهار کره شمالی و خنثی‌سازی تهدید آن علیه همسایگانی چون کره‌جنوبی و ژاپن دارد. تحلیلگران واکنش ایالات متحده را به واسطه به کارگیری تعقیب راهبرد ائتلاف و استراتژی ایندو- پاسیفیک، ناتویی دانسته‌اند که قرار است در مناطق ایندو- پاسفیک ظهور کند. به این ترتیب اگر ناتو در اروپا برای مقابله با روسیه شکل گرفت، این ناتو برای مقابله با چین تشکیل شده است. هدف واشنگتن از ایجاد این ناتو، مهار چین و در سپس تلاشی برای آزاد و باز بودن منطقه هند- پاسیفیک است.

به رغم همه تلاش‌هایی که از سوی پژوهشگران حوزه ایندو- پاسفیک به عمل آمده است، به نظر می‌رسد که جای پژوهشی که خواسته باشد، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی را طبق الگوی ثبات هژمونیک مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. لذا پژوهش حاضر

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

تلاش دارد که ضمن تشریح الگوی نظری پژوهش در الگوی ثبات هژمونیک، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به موضوع و اهداف، پژوهش حاضر عهده دار پاسخ به این پرسش است که: شکل‌گیری ناتوی آسیایی معلول چه زمینه‌ها و عواملی است؟ در پاسخ به پرسش فوق، فرضیه پژوهش آن است که: وجود یک تهدید مشترکی چون کره شمالی برای کره جنوبی و ژاپن و همچنین راهبرد ائتلافی پکن- پیونگ یانگ در حیات سرزمینی شبه جزیره و ضرورت مهار چین از سوی ایالات متحده آمریکا از رهگذر استراتژی ایندو- پاسفیک می‌باشد. چارچوب نظری مقاله حاضر را می‌توان بر اساس الگوی نظری (ثبات هژمونیک) تبیین نمود. چنین الگو و رهیافتی توسط چارلز کیندلبگر، استفان کراسنر و رابرت گلپین ارائه شده است. بنابراین در این پژوهش تلاش بر آن است که تا از قالب‌های تحلیلی و ادراکی چارلز کیندلبگر، استفان کراسنر و رابرت گلپین برای پشتوانه تئوریک در تبیین و تشریح داده‌ها و تبیین محتوا تحقیق استفاده شود.

روش تحقیق

نوع پژوهش بر اساس هدف: کاربردی است. از حیث نتیجه‌گیری: کاربردی- توسعه‌ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده‌ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، تبیینی (تعلیلی)، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه‌های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

موضوع نوع مواجهه ایالات متحده آمریکا در قبال چین دستمایه نگارش‌های متعددی از سوی پژوهشگران روابط بین‌الملل شده است. در این ارتباط، دیوید شمباو (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان (رقابت ایالات متحده و چین در جنوب شرقی آسیا: تغییر قدرت یا همزیستی رقابت‌آمیز) به رقابت ایالات متحده و چین در آسیای جنوب شرقی پرداخته است. به نظر نویسنده، مزیت پکن در این حوزه بیشتر رویکرد اقتصادی و دیپلماتیک بود در حالیکه ایالات متحده آمریکا دارای مزایای

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

چند وجهی و بیشتر رویکرد تقابلی بوده است. جمشیدی و یزدان شناس (۱۳۹۹) در مقاله تحت عنوان نظریه چرخه قدرت و تحولات قدرت ایالات متحده بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی اذعان دارند که در شاخص تولید ناخالص داخلی، قدرت نسبی آمریکا روندی نزولی را طی کرده که ناشی از سرعت رشد رقبایی نظیر چین است. (سازمند و دیگران، ۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان متغیرهای منطقه‌ای اثر گذار بر تحولات امنیتی ژاپن در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۹ بر آن هستند که احساس عام امنیت وجودی در سال‌های اخیر باعث ایجاد پویایی‌های استراتژیک در راهبردهای کلان این کشور شده است و ژاپن را به سمت افزایش توانمندی‌های نظامی و تغییر در سیاست خارجی منفعلانه خود حرکت داده است. این احساس عدم امنیت ناشی از دگر گونی در محیط امنیتی شرق آسیا بوده که باعث تغییر در تفکر تصمیم گیران امنیتی ژاپن شده و این کشور را در مسیر پاسخگویی به این تهدیدها و چالش‌ها قرار داده است. محمدی و ضرغامی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان (واکاوی دلایل تمرکز ایالات متحده به سمت آسیا- پاسیفیک) افزایش قدرت نظامی و اقتصادی چین، تضمین دسترسی آزاد به منافع مشترک، تامین امنیت خطوط تجاری دریایی، مقابله با توسعه موشک‌های دور برد کره شمالی را از مهم‌ترین دلایل تغییر راهبرد ایالات متحده به سمت حوزه آسیا- پاسفیک می‌دانند. موسوی و منفرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان نئوجکسونیسم: الگوی سیاست خارجی آمریکا در دوران دونالد ترامپ بر این نظرند که در شرایط کنونی تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قیاس با گذشته با یکسرس پیچیدگی و عدم قطعیت‌هایی بیشتری همراه است که همین امر تحلیل رفتارهای خارجی این کشور را با پیچیدگی بیشتری همراه ساخته است.

اگر چه هر یک از پژوهش‌های فوق حاوی اطلاعات سودمندی است، اما جای پژوهشی که خواسته باشد به جد زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی طبق الگوی ثبات هژمونیک را مورد بررسی قرار داده باشد خالی است. لذا پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از همه پژوهش‌های پیشن تلاش می‌کند که زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی طبق الگوی ثبات هژمونیک مورد بررسی قرار دهد. در این ارتباط، بیشترین کوشش ممکن به عمل آمده است تا به پرسش پژوهش پاسخ مناسب داده شود.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

ثبات هژمونیک: الگویی برای فهم چارچوب تئوریک پژوهش

برای تحلیل و بررسی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی، از الگوی نظری ثبات هژمونیک استفاده شده است.

مبانی نظری الگوی ثبات هژمونیک، واقع گرایی است. چارلز کیندلبرگر، استفان کراسنر و رابرت گلیپین از عمده‌ترین نظریه پردازان نظریه ثبات هژمونیک هستند. (مشیر زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۷) توئری ثبات هژمونیک بر این نکته تاکید می‌کند که که اگر یگ دولت مسلط وجود داشته باشد که ثبات را در سیستم تضمین کند، صلح در نظام بین‌الملل بر قرار می‌شود. نظام سیاسی بین‌الملل آنارشیک است و هیچ قدرت برتری وجود ندارد که بتواند دیگر کشورها را از تجاوز باز دارد. در این راستا، هر کشوری برای بقای خود نیاز به افزایش قدرت خود دارد. توزیع قدرت باعث ایجاد دو راهی در بین دولت‌های موجود در سیستم آنارشیک می‌شود. مفروضه الگوی نظریه ثبات هژمونیک بر این نکته تاکید می‌کنند که:

الف) یک نظام سیاسی قدرتمند و با ثبات جزء ضروری هژمونی است.

ب) یک قدرت هژمون باید دارای قدرت نظامی در راستای حمایت نظامی داشته باشد.

ج) یک اقتصاد قدرتمند نقش حیاتی در ایجاد هژمونی ایجاد می‌کند.

د) اراده برای رهبری جهان و پذیرش آن سوی کشورهای دیگر، چهارمین عنصر ضروری برای هژمون است. (قوام، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

یک هژمون قهری معمولا در چارچوب تهاجمی عمل می‌کند. مهم‌ترین چیز برای یک هژمون تضمین نظم در جهان است. ساختار آنارشیک جهان دارای سه ویژگی تعریف شده است. یکی از آن‌ها این است که هیچ مقام عالی که بتواند سایر کشورها را در برابر متجاوزان محافظت کند، وجود ندارد. دوم، این که میل به قدرت طلبی به هر کشوری کمک می‌کند تا برخی از قابلیت‌های نظامی را داشته باشد که عمدتا ماهیت تهاجمی دارند. سوم غیر قابل پیش بینی بودن یک دولت نسبت به سایر دولت‌ها است. یک دولت هرگز نمی‌تواند در مورد نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشد. این ترس را هرگز نمی‌تواند از بین برد. (Cox,1997: 25)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

به این ترتیب، هر دولتی برای بقای خود بخشی از مسابقه تسلیحاتی علیه دولت قدرتمند همسایه می‌شود. این وضعیت معضل امنیتی را به وجود می‌آورد. قدرت‌های بزرگ دلیلی برای مبارزه به یکدیگر ندارند اما عدم اطمینان آن‌ها در مورد بقا آن‌ها مجبور می‌کند به دنبال قدرت باشد. (Mearshimer,2001: 178)

ایالات متحده آمریکا بزرگترین کشور نظامی و اقتصادی است. یکی از کار کرد و و کار ویژه‌های ایالات متحده آمریکا، ایجاد ثبات هژمون و به عبارتی همان اتحاد در میان کشور زیر لوای قدرت نظامی و اقتصادی خود است. ایالات متحده آمریکا هژمونی خود را در منطقه آسیا ثبیت کرده است و به سختی فرصتی را به چین در سیاست منطقه می‌دهد. ایالات متحده آمریکا دو سیاست متفاوت با هدف یکسان را برای مهار چین در ایندو- پاسفیک آغاز کرده است. چرخش به سمت آسیا که در دولت باراک اوباما مطرح و پیگیری شده توسط دولت‌های بعدی دنبال شد و اکنون سیاست ایندو- پاسفیک آن کشور در قالب اتحاد کواد، هدفی جز مهار چین برای تضمین هژمونی ایالات متحده در جهان ندارد. تهدیدات خارجی ناشی از تبدیل شدن چین به یک هژمون باعث شده هند و ژاپن رقبای منطقه‌ای و تاریخی این کشور و سایر بازیگران منطقه‌ای نگران قدرت چین باشند و بخواهند منافع خود را در نزدیکی بیشتر به آمریکا در قالب استراتژی ایندو- پاسفیک (کواد) پیگیری نمایند.

۱) نقش تحرکات و تهدیدات فزاینده کره شمالی در شکل‌گیری ناتو آسیایی

کره شمالی قبل از دوران دونالد ترامپ و دعواهای توییتری کودکانه‌اش با کیم جونگ اون، رهبر فعلی کره شمالی، همیشه به دو چیز مشهور بوده است. بمب هسته‌ای با ۲۵/۵ میلیون نفر جمعیت و آزمایش‌های موشکی و موشک‌های بالستیک برای حمل این بمب‌های هسته‌ای. وقتی پول در این کشور کم است یا ذخیره غذای کشور کم شده، کره شمالی شروع به ایجاد تنش می‌کند و تهدید علیه کره جنوبی و ژاپن می‌کند. این کشور به ناگاه بمب هسته‌ای آزمایش می‌کند، از موشک قاره‌پیمای جدید خود پرده برمی‌دارد، حرف‌های تندی درباره کشورهای دیگر می‌زند و یک‌باره کره جنوبی و ژاپن را به حمله موشکی تهدید می‌کند. در نهایت تنش را به‌قدری

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

در منطقه خود بالا می‌برد که آمریکا برای ساکت کردن آن مجبور می‌شود استثناهای موقتی قائل شود، بخشی از تحریم‌ها را نادیده بگیرد، اجازه دهد پول به آن وارد شود یا کمک‌های غذایی بلاعوض به آن بدهد تا در مقابل نیز کره شمالی به حالت عادی پیش از آن بازگردد. وقتی شکم رهبران کره شمالی سیر شد، ناگاه آن‌ها از دیکتاتورها و تهدیدهای جهانی، تبدیل به کسانی می‌شوند که دیپلماسی را دوست دارند و همواره ترجیح می‌دهند مذاکره کنند. بعد از چندین ماه بعد که دوباره جیب‌ها و انبارهای غذا خالی شد، همین چرخه تکرار می‌شود. دوباره ناگهان کیم جونگ اون حرف تندی به ترامپ می‌زند و یک موشک دیگر در دریای ژاپن آزمایش می‌کند تا دوباره این چرخه تکرار شود. (دولتی، ۱۳۹۹: ۲۵)

اما همه این‌ها فقط یکی از استراتژی‌های کره شمالی برای گرفتن پول از کشورهای دیگر و زنده ماندن است. با توجه به تهدیدات فزاینده کره شمالی علیه منافع ژاپن و کره جنوبی، تنها کشور چین است که می‌تواند در منطقه وحیات سیاسی شبه جزیره ثبات ایجاد کند. در واقع چین خواستار ثبات در منطقه است. دلیل این حمایت‌های چین هم منافعی است که هر دوی این‌ها و خصوصا چین از کره شمالی می‌برد. نفع کره شمالی هم برای چین، نه در رفاه و موفقیت آن بلکه صرفا در «بودن» آن است. چین می‌تواند به‌راحتی رژیم کره شمالی را از هم بپاشاند یا کل خاک آن را به خود بچسباند، اما به‌دلایلی از این کار سر باز می‌زند. بدترین گزینه برای چین، یک کره شمالی ازهم‌پاشیده یا شکست‌خورده است. آنچه چین می‌خواهد پایداری کره شمالی است. زیرا اگر کره شمالی از هم بپاشد، ۲۵ میلیون نفر جمعیت آن‌که از نظر فرهنگی تفاوت‌های فاحشی با چینی‌ها دارند، به مناطق شمال شرقی چین که از نظر اقتصادی ضعیف هستند، هجوم می‌آورند. بدتر از آن، فروپاشی کره شمالی احتمالا به پیشروی نیروهای آمریکایی در این کشور منجر خواهد شد که در این حالت آمریکا را به درهای چین می‌رساند. ازاین‌روی کره شمالی یک حائل خوب برای نگه‌داشتن نیروهای آمریکایی در کره جنوبی است. به همین دلیل تا زمانی که کره شمالی تنش را خیلی بالا نبرد، چین ترجیح می‌دهد شرایط موجود را حفظ کند. حالت ایده‌آل این است که کیم جونگ اون رهبر فعلی کره شمالی سلاح‌های هسته‌ای را کنار بگذارد، درهای کشورش را

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

باز کند و به‌سوی اصلاحات اقتصادی که از آن‌ها را حرف می‌زند حرکت کند. با این کار کره شمالی دیگر برای بقا به سلاح‌های هسته‌ای خود چنگ نخواهد زد و از آن‌سو دیگر دلیلی برای حضور نیروهای آمریکایی در آن منطقه باقی نمی‌ماند. با این‌همه چین می‌داند که نفوذ و تاثیرگذاری‌اش آن‌قدرها هم زیاد نیست و در نتیجه اگر چنین اتفاقی بیفتد، دیگر نمی‌تواند روی کره شمالی کنترلی داشته باشد. در حالت ساده‌تر چین می‌تواند هم به لحاظ نظامی و هم به لحاظ اقتصادی کره شمالی را از بین ببرد؛ اما چنین کاری نمی‌کند زیرا می‌داند که بعد از تغییر رژیم کره شمالی، چین آن‌قدرها نمی‌تواند در رژیم جایگزین نفوذ و تاثیر داشته باشد و سیاست‌های خود را در آنجا جلو ببرد؛ اما از آنجایی که چین فقط پایداری و «بودن» کره شمالی را می‌خواهد، در نتیجه تمایلی هم به این کار ندارد. ازاین‌روی با اینکه یک تبادل یا توازن قدرت بین چین و کره شمالی وجود دارد، اما هیچ‌کدام نمی‌خواهند حرکت تندی انجام دهند. چین در سازمان ملل آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای پیونگ‌یانگ را محکوم کرده است اما کره شمالی می‌داند که نباید از این قضیه عصبانی باشد. چراکه هزینه از دست دادن یک دولت متحد ثروتمند مثل چین را به‌خوبی می‌داند. (دولتی، ۱۳۹۹: ۳۵)

۲) زمینه‌های شکل‌گیری ناتوی آسیایی با توجه به راهبرد ائتلافی پکن- پیونگ یانگ در حیات سرزمینی شبه جزیره

چین و کره شمالی از دوره طولانی روابط نسبتا دوستانه و نزدیک در تاریخ معاصر خود برخوردار بوده‌اند. کمونیست‌های کره‌ای مامن و امکانات پشتیبانی برای رفقای چینی خود در مبارزه ایشان منتج به تاسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ فراهم آوردند. متقابلا چین نیز با مداخله نظامی گسترده در جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) و نجات کره تحت رژیم کیم ایل سونگ از سقوط حتمی در برابر پیشروی نیروی‌های سازمان ملل به رهبری آمریکا علیه تهاجم نظامی کره شمالی معطوف یکپارچه سازی شبه جزیره کره این مساعدت را تلافی نمود. این تحول سرآغازی بر دورانی جدید از مناسبات راهبردی پکن- پیونگ یانگ گردید که متعاقبا تحت عنوان (نزدیک همانند لب و دندان) از آن یاد شد. (ابراهیم خانی، ۱۴۰۰: ۱)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

در سال ۱۹۶۱ چین و کره شمالی (معاهده دوستی، همکاری و مساعدت دوجانبه چین- کره شمالی) را منعقد ساختند که اعتبار ۲۰ ساله آن دو بار در سالهای ۱۹۸۱ و ۲۰۰۱ تمدید شد و در انتظار تمدید اعتبار در سال ۲۰۲۱ است. این معاهده چین را متعهد به مداخله علیه هر گونه تجاوز غیر قابل توجیه متوجه کره شمالی ساخته است. یک سال بعد و بموجب ابتکاری که روابط دوجانبه را مستحکم‌تر ساخت، پکن با فیصله یافتن اختلافات پیرامون علامت‌گذاری در مرز مشترک خود با کره شمالی مطابق با شرایطی که گفته می‌شود بیشتر به نفع پیونگ یانگ بوده است، موافقت کرد. با وجود گرمی مناسبات و حسن نیت دو جانبه ابراز شده، چین و کره شمالی به ندرت همراهی تام و کاملی داشته اند و در طول جنگ سرد اتحاد شوروی با پیشی گرفتن از چین بعنوان حامی اصلی کره شمالی ایفای نقش می‌نمود. (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰: ۱۴۷)

چین و کره شمالی با وجود آنکه در ابتدا بعنوان دو متحد ایدئولوژیک محسوب می‌شدند به تدریج مسیر خود را جدا نموده و تصویری کم فروغ از آنچه به عنوان شرکای (نزدیک‌تر از لب و دندان) از آن یاد می‌شد ترسیم کردند. در سال ۱۹۸۰ پکن زمینه سازی‌های انتقال موروثی قدرت از کیم ایل سونگ به کیم جونگ ایل را مورد انتقاد قرار داد و آنرا بمثابه (میراث فئودالیسم) تعبیر نمود. پکن همچنین عمده نفوذ عقیدتی خود بر پیونگ یانگ را از ناحیه تنظیم ماهیت انقلابی خود بنفع توسعه اقتصادی در شرایطی که کره شمالی کماکان به ایدئولوژی سرخ متعصبانه و غیر منعطف خود پایبند باقی مانده بود، از دست داد. برقراری روابط سیاسی چین با کره جنوبی در سال ۱۹۹۲ از دید کره شمالی یک خیانت وحشتناک تلقی شد. پکن متعاقب بلا اثر شدن اهرم عقیدتی ناگزیر از اتکا به نفوذ اقتصادی خود بر پیونگ یانگ گردید. سال بعد پکن شرایط تجارت دوجانبه خود با کره شمالی را از ترتیبات ترجیحی و تهاتر به رویکرد بازار بر پایه مبادله نقدی تغییر داد که همراه با تبعات فروپاشی اتحاد شوروی و تعلیق جریان کمک‌های دریافتی مسکو اقتصاد کره شمالی را در معرض سقوط قرار داد. در اواسط دهه ۱۹۹۰ پکن با وجود تداوم تشنج در روابط سیاسی و رکود تجارت دوجانبه شرایطی منعطف‌تر برای صادرات مواد غذایی و سوخت به کره شمالی در نظر گرفت. در خلال دهه ۱۹۹۰ و مقطع پیشرفت هسته‌ای کره شمالی، پکن موفق به

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

اقناع پیونگ یانگ برای حضور در میز مذاکره موسوم به (گفتگوهـای شـش جانبـه) بـا مشـارکت روسیه و ژاپن در کنار دو کره، چین و ایالات متحده شد. (تقوی نژاد، ۱۴۰۰: ۱۵۲)

آزمایش هسته‌ای پیونگ یانگ در اکتبر سال ۲۰۰۶ مقطعی جدید از تنش در روابط با چین را رقم زد. پکن از قطعنامه ۱۷۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که تحریم‌هایی را بـر کـره شـمالی تحمیل می‌کرد حمایت نمود. چین برغم همراهی ظاهری با اقداماتی تنبیهـی بـین‌المللـی علیـه کـره شمالی غالبا با تحریم‌های شدید بین‌المللی سر سازگاری نداشـت و بمـدت یـک دهـه بـا توجـه بـه احتمال سقوط رژیم و هجـوم آوارگـان در طـول مـرز مشـترک ۱۴۰۰ کیلـومتری بـا کـره شـمالی رویکردی حداقلی نسبت به ترجمان و اعمال کامل قطعنامه‌های سال ۲۰۰۶ اختیار کرد. در ادامـه و با وجود موانع، چین بر تحکیم مناسبات اقتصادی و سیاسی با کره شمالی، برغم شکست مـذاکرات شش جانبه، دومین آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سال ۲۰۰۹ و اقدامات تحریک‌آمیز نظامی سال بعد این کشور علیه کره جنوبی، متعهد باقی ماند. (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰: ۱۵۵)

مرگ کیم جونگ ایل و جانشینی او توسط کیم جونگ اون در سال ۲۰۱۱ نیز تاثیر عـاجلی از حیث روابط هموارتر پکن- پیونگ یانگ به همراه نداشت. در عوض، کیم جونگ اون در ابتدای دوره اقتدار خود مشی ابراز اراده مستقل از خواسته چینی‌ها را با توسل به پرتاب ماهواره به فضا در سال ۲۰۱۲ در تناقض آشکار با توصیه شی جی پینگ رئیس جمهور چین که از او خواسـته بـود از انجام این فعل صرفنظر نماید، و همچنین انجام یک آزمایش هسـته‌ای دیگـر اختیـار نمـود. رئـیس جمهور چین بوضوح با اعلام موضعی علنی دایر بر اینکه هیچ کس نبایستی یک منطقه و حتی کل جهان را بخاطر منافع خودخواهانه خود دچار هرج و مرج کنـد، کـیم را مـورد سـرزنش قـرار داد. (تقوی نژاد، ۱۴۰۰: ۱۵۷)

روابط چین و کره شمالی در سال ۲۰۱۷ و در مقطعی که به نظر می‌رسید رو در رویی پیونـگ یانگ با ایالات متحده شبه جزیره کره را به سوی مخاصمه نظامی سـوق مـی‌دهـد، دچـار عقبگـرد دیگری گردید. پکن با صدور هشداری شدید الحن و ابراز تمایل به حمایت از تحریم‌های شدیدتر شورای امنیت سازمان ملل متحد واکنش نشان داد. متعاقب ازمایش موشـکی فوریـه ۲۰۱۷ پیونـگ

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

یانگ به سمت دریای ژاپن چین اعلام نمود تمامی واردات ذغال سنگ از کره شمالی را برای باقیمانده سال متوقف خواهد ساخت. در پاسخ، رسانه‌های کره شمالی حملات لفظی مستقیم و غیر معمولی را متوجه چین ساختند. اقدام کره شمالی در پرتاب جدید موشک در ماه نوامبر سال ۲۰۱۷ واکنش پکن و درخواست از کره شمالی مبنی بر (متوقف ساختن اقداماتی که موجب تشدید تنش در شبه جزیره کره می‌شود) را در پی داشت. این آزمایش موشکی همچنین زمینه ساز تسریع در تصویب قطعنامه تحریم سازمان ملل متحد گردید که برای اولین بار صادرات پر رونق ذغال سنگ کره شمالی را با هدف محدود ساختن دسترسی کره شمالی به ارز بین‌المللی هدف قرار می‌داد. تائید این قطعنامه از سوی چین نشانه‌ای از تمایل این کشور به اتخاذ رویکردی غیر منعطف‌تر در قبال کره شمالی بنظر می‌رسید. (سازمند، ۱۳۹۸: ۸۳)

در سال ۲۰۱۸ تحولات فوق العاده‌ای شامل آغاز دور جدیدی از گفتگوهای ایالات متحده و کره جنوبی با رهبر کره شمالی کیم جونگ اون در شبه جزیره کره حادث گردید. با شتاب گرفتن دیپلماسی، نگرانی پکن از بیم در حاشیه تحولات قرار گرفتن و دور شدن کره شمالی از حوزه نفوذ چین شدت یافت. ابتکار عمل‌های ماهرانه کیم جونگ اون در مسیر ارتباط دیپلماتیک با سئول و واشنگتن نیروی محرکه تازه‌ای برای پیونگ یانگ و پکن ایجاد نمود تا به سرعت روابط دوجانبه را بازسازی نمایند. چین بنحو موثری در این مسیر گام برداشت و روابط با کره شمالی را از طریق روندی بی سابقه از دیدارها بین رئیس جمهور شی جی پینگ و کیم جونگ اون و همچنین تجدید تماس مقامات حزبی و نظامی دو کشور مدیریت کرد. در ماه مارس ۲۰۱۸ کیم جونگ اون عازم اولین دیدار رسمی خود از چین شد. با ادامه مذاکرات کره شمالی با کره جنوبی و ایالات متحده در سال بعد، کیم جون اون با سه سفر رسمی دیگر به چین قبل و بعد از اجلاس سنگاپور و نیز یک ماه قبل از دومین اجلاس سران کره شمالی- ایالات متحده در هانوی با رئیس جمهور چین دیدار و گفتگو کرد. در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۱۹ شی جی پینگ برای دیداری رسمی که اولین سفر یک رهبر چین به کره شمالی در خلال ۱۴ سال محسوب می‌شد وارد پیونگ یانگ شد. سیر تحولات چنین تداعی می‌کرد که کیم جونگ اون با پشت سر گذاردن دوره‌ای ۶

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

سال در قدرت با شاخصه گرایش کمرنگ‌تر نسبت به پکن اینک توفیق یافته است تا تحت شرایط مطلوب خود با چین وارد تعامل شود. (یزدان شناس، ۱۳۹۹: ۸۲)

امروزه چین شاهرگ حیات اقتصادی کره شمالی و پنجره ارتباط این کشور با جهان محسوب می‌شود که بخش عمده تجارت و سرمایه گذاری خارجی پیونگ یانگ را در انحصار خود دارد. تحریم‌های بین‌المللی وضع شده علیه پیونگ یانگ این کشور را بیش از گذشته محتاج تجارت و پشتیبانی پکن ساخته است. در عین اینکه چین مهیا برای محکوم ساختن پیشرفت‌های هسته‌ای همسایه خود به چشم می‌آید، سیاست‌های پکن کماکان متمرکز بر پاسداری از ثبات در منطقه باقی مانده اند. بنظر می‌رسد که رهبران چین از بیم عواقب فروپاشی کره شمالی و یا مخاصمه‌ای نشات گرفته از قابلیت‌های هسته‌ای در حال بروز این کشور ثبات را بعنوان مهم‌ترین اولویت خود در شبه جزیره کره برگزیده اند. پکن همچنین در شرایط دشواری در ارتباط با تعهد سال ۱۹۶۱ دایر بر دفاع از کره شمالی در صورت وقوع مخاصمه نظامی گسترده قرار دارد که با هر معیاری با مشی پرهیز از کشیده شدن به هرگونه تقابل نظامی عمده که مخاطرات اجتناب ناپذیری را متوجه رشد اقتصادی این کشور می‌سازد در تضاد است. (موسوی، ۱۳۹۸: ۱۷۹)

این نکته نیز نبایستی از نظر دور بماند که اهداف هسته‌ای پیونگ یانگ برای چین در مقاطع مختلف از ماهیت متضاد فرصت و مسئولیت برخوردار بوده است که از یک سو ثبات منطقه‌ای را به مخاطره افکنده و از سوی اهرم مهمی در تعامل با ایالات متحده آمریکا در اختیار این کشورقرار داده است. پشتیبانی پکن از کره شمالی همچنین حفظ یک منطقه حائل ذی‌قیمت بین چین و کره جنوبی متحد ایالات متحده و محل حضور توان نظامی قابل توجه آمریکا را تضمین نموده است. با تنظیم مجدد مناسبات با پیونگ یانگ، رویکرد کلی چین در قبال کره شمالی نیز در حال تغییر است و نشان از آن دارد که پکن مهیا برای کنار آمدن با یک کره شمالی هسته‌ای است. این مهم همچنین بوضوح دلالت بر آن دارد که ایالات متحده نمی‌تواند انتظار چندانی داشته باشد که پکن بنحو موثری با تحریم‌های بیشتر و اعمال فشار بر پیونگ یانگ همراهی نماید. (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۹۵)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

بطور کلی و مطابق با الگویی که تاکنون ادامه داشته است هر مقطع از فراز و فرود در روابط پکن-پیونگ یانگ ضرورتا به نقطه بحرانی جدایی منتج نشده و دیر یا زود با ابتکاری مشترک به منظور هدایت روابط به مسیر عادی خود همراه و قرین بوده است. برغم آنکه دو طرف دورتر از آن هستند که به عنوان دوستان متحد تلقی شوند درعین حال از این قابلیت برخوردار هستند تا تعامل در قالب شرکای ضرورت ژئوپلتیکی را تداوم بخشند.

۳) عوامل شکل‌گیری ناتوی آسیایی با توجه به راهبرد ایندو- پاسفیک ایالات متحده آمریکا در الگوی ثبات هژمونیک

از آنجا که قدرت آمریکا برای حفظ هژمونی خود در منطقه ایندو- پاسفیک با چالش‌هایی مواجه گردیده، مرکز ثقل جهان به صورت پویا از حوزه یورو- آتلانتیک به منطقه ایندو پاسفیک در حال انتقال است. اهمیت روز افزون این منطقه به دنبال گسترش نفوذ چین در اقتصاد جهانی به دلیل پیشبرد سیاست کمر بند راه است که منطقه آسیا را به آفریقا، اروپا و آسیای مرکزی و نیز شرق را به غرب متصل می‌کند که این امر منجر به افزایش تجارت، اقتصاد و قدرت در منطقه ایندو- پاسفیک گردیده است. چگونگی اتخاذ مدیریت بهتر و برخورد قاطع با خطرات ناشی از افزایش نفوذ روز افزون پکن سبب شد که نظرها به سمت کواد جلب شود. مفهوم استراتژی هند و اقیانوس آرام یعنی (ایندو- پاسفیک) که جایگزین (آسیا و اقیانوس آرام) یعنی (آسیا پاسفیک) سنتی شد، مقدمه ایجاد کواد است. سند دفاعی استرالیا، تغییرات ژئوپلیتیکی در ایندوپاسفیک را به عنوان عامل اصلی امنیت استرالیا مشخص کرده است، ایالات متحده نیز نام فرماندهی خود را از اقیانوس آرام به فرماندهی هند و اقیانوس آرام تغییر داد. (Copp,2018: 25) ژاپن عضو دیگر این گروه، چالش‌ها و فرصت‌ها را در اقیانوس هند- آرام شناسایی کرد. هند میز اختصاصی ایندوپاسفیک خود را در وزارت خارجه اش راه اندازی نمود.

استراتژی امنیت ملی آمریکا، ایندو پاسفیک را منطقه‌ای تعریف می‌کند که از ساحل غربی هند تا سواحل غربی ایالات متحده کشیده شده است. منطقه ایندوپاسفیک پراکنده‌ترین منطقه روی زمین باشد که مشتمل بر ۳۶ کشور قاره ای، شبه جزیره‌ای و مجمع الجزایری از جمله چند ده

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

جزیره مسکونی است و اکثر پهنه اقیانوس‌های آرام و هند و نیز دریاهـای داخلـی آسـیا را پوشـش می‌دهد. این منطقه با بیش از ۳ میلیارد نفر جمعیـت، بـیش از نیمـی از جمعیـت جهـان از جملـه دو مورد از پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان یعنی هند و چین را در خود جای می‌دهد. این منطقـه بـر مبنای ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن، محـل تلاقـی سیاسـت‌هـای قـدرت‌هـای بزرگـی همچـون چـین وآمریکاسـت. منطقـه مـذکور محـل تمرکـز سـرمایه و فنـاوری اسـت و پویـاتـرین اقتصادهای دنیا با برخورداری از بالای میاگین رشد جهان در آن متمرکز هستند.

توانمندی اقتصادی برتر ژاپن، روتد رو به رشد اقتصادی چین، تجربیات قابل توجه کشورهای تازه‌صنعتی شده و حرکت رو به رشد اقتصادی (آ. سه. آن) مهمترین کانون‌های تحولات اقتصادی در این منطقه به شمار می‌رود. بیش از ۴۰ درصد خروجی اقتصاد جهانی شامل اقتصادهـای پیشـرو، چین، ژاپن و کره جنوبی نیز مربوط به این منطقه است. در این منطقه به بیش از ۲۰۰ زبـان صـحبت می‌شود. بزرگترین دموکراسی جهان یعنی هند و بزرگتـرین کشـورهـای اسـلامی یعنـی انـدونزی، پاکستان و هند هم در این منطقه واقع اند. همچنین بعضی از بزرگترین و پیشرفته‌تـرین ارتـش‌هـای جهان شامل چین، کره شمالی، کـره جنـوبی، هنـد و ژاپـن بـه ایـن منطقـه تعلـق دارد و ۷۰ درصـد تجارت جهانی از طریق آب راه‌های راهبردی آن نظیر تنگه‌های مالاگا و سوندا صورت می گیرد و سالانه ۷۵۰۰۰ کشتی از طریق این منطقه آسیا را به خاورمیانه وصل می‌کننـد. ایـن مسـائل نشـان از اهمیت بالای این منطقه دارد. (Jon,2019: 56)

از نگاه ایالات متحده، در حال حاضر چین به صراحت به عنوان تهدید اصلی برای این کشور و نظم جهانی شناخته می‌شود و از سیاست‌های تهاجمی سوداگرایانه چین، نقض حقوق بشر در سـین کیانک و تبت، از بین بردن دموکراسی در هنگ کنگ رقابت ناسـالم تجـاری بـا ایـالات متحـده، پیشی گرفتن تولید ناخالص داخلی چین از این کشور و وضعیت نظامی آن در ایندو- پاسیفیک، به عنوان تهدیدات چین علیه نظم جهانی یاد می‌کند. به طوری که برخورد با چـین از پشـتیبانی بـالای هر دو حزب برخوردار گردیده است. در سال ۲۰۱۱، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه پیشین، بر ضرورت تغییر منابع و اولویت‌های ایالات متحده از خاورمیانه به جغرافیای مهم در حال حاضر کـه

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

به گفته وی از شب قاره هند تا سواحل غربی قاره آمریکا امتداد دارد و بعدا به عنوان ایندو- پاسیفیک معروف شد تاکید کرد. این چرخش به سمت شرق آسیا منجر به تعمیق اتحاد با ژاپن، استرالیا، تیلند وکره جنوبی و تقویت روابط با شرکای در حال ظهور مانند هند، اندونزی، نیوزلند، سنگاپور وویتنام شد. اولین راهبرد امنیتی ملی دولت آمریکا که در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، چین تجدید نظر طلب را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید استراتژیک برای ایالات متحده معرفی و ایده‌ای را مطرح کرد که چین دیگر به عنوان یک شریک منحصر به فرد امریکا در نظر گرفته نمی‌شود، ترامپ در اوایل سال ۲۰۱۸ طیفی از تعرفه‌های جدید علیه واردات فولاد از چین وضع کرد و خواستار کاهش حد اقل ۱۰۰ میلیارد دلاری کسرری تتجاری در جانبه شد. (Dan,2020: 18)

پکن نیز با وجود خطر بروز جنگ تجاری تتعرفه‌هایی را بر کالاهای ایالات متحده وضع کرد. وزارت دفاع آمریکا چندین روند را شناسایی کرده است که نشان می‌دهد (دوره فرصت استراتژیک) دو دهه‌ای، جایی که چین بر رشد داخلی متمرکز بود و از نظر بین‌المللی پایین‌تر از آمریکا داشت را اکنون پشتت سر گذاشته و خود را برای نفوذ در خارج از مرزهای خود آماده می‌کند. بر خلاف دیگر اعضا کواد، ایالات متحده با چالش مستقیم نفوذ چین در خارج از مرزهای این کشور مواجه است، ایالات متحده را به چالش کشیده است. چین با به کار گیری تاکتیک‌های منطقه خاکستری و انعطاف‌پذیری اقتصادی و دیپلماتیک خود ازطریق ابتکار کمرند- راه برای دستیابی به منافع در خارج از کشور و ابتکار عمل نظامی و غیر نظامی پکن برای تولید فناوری دفاعی، اهداف چین در ساخت آسیای یک قطبی را پیش می‌برد و ایالات متحده را در سطح جهانی به چالش می‌کشد. وزارت دفاع آمریکا همچنین سیاست‌هایی مانند (ساخت چین ۲۰۲۵) را اقداماتی مخفی‌کارانه و ناعادلانه برای جمع‌آوری ثروت می‌داند. همچنین عملیاتی تاثیرگذار در مقیاس بزرگ با هدف تضعیف دموکراسی‌ها در حال انجام هست و چین از طریق سیاست خارجی فعال خود از این اقدامات استراتژیک حمایت می‌کند. از دید ایالات متحده، چین در هیچ کجای دیگر دنیا از این ابزارها برای پیشبرد نفوذ خود به اندازه حوزه ایندو- پاسیفیک استفاده نکرده است و اقدامات چین کاملا با منافع آینده ایالات متحده در تضاد بوده است، زیرا بیشترین سهم از تولید

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

ناخالص داخلی جهانی، شلوغ‌ترین مسیرهای تجاری که منافع واشنگتن را تامین می‌کنند در این منطقه قرار دارند. برجسته کردن خط مشی تهدید چین برای منافع آمریکا چالشی است که پیش روی نظم کنونی جهانی آمریکا ساخت قرار دارد، این نظم که در دوره پس از جنگ جهانی دوم در نتیجه تلاش‌های ایالات متحده برای ساخت مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارهای حاکم برای ایجاد ثبات در نظام بین‌الملل تاسیس شد، به هژمونی آمریکا و حفظ آن کمک می‌کند. اکنون این ساختار به وسیله قدرت در حال ظهور چین که خواهان تغییر است به چالش کشیده شده است. اتصال و پویایی ایندو- پاسفیک نیز در نتیجه همین نظم جهانی آمریکایی است که برای حفظ منافع و همکاری بین کشورهای کواد در منطقه مهم است، بنابراین ایالات متحده از تسلط چین بر ایندو- پاسیفیک هراسی ندارد وآن را خطری بزرگ برای ارزش‌ها و منافع خود می‌پندارد. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند در عین حال که چین نقطه قابل توجهی برای همگرایی در بین چهار کشور کواد است، در همان حال نیز تاکید می‌کنند که ارزش هاییکه خواهان یک ایندو – پاسیفیک آزادو باز هستند نیز عاملی برای وحدت در کواد می‌باشند. بنابراین واضح است که در مورد لزوم برخورد با چین توافق نظر قاطعی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

ناتوی آسیایی در راستای تلاش برای مقابله با آنچه که کنترل فزاینده نفوذ چین در منطقه هند و اقیانوس آرام ارزیابی شده، به وجود آمده است. ناتوی آسیایی به پیشوایی آمریکا در حوزه ایندو- پاسیفیک به منظورهمکاری‌های ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، ژاپن و استرالیا و در آینده محتملا هند و فلیپین حول محورفضای سایبری، فناوری‌های جدید و مقابله با اطلاعات نادرست در حال تحکیم و قوام است. هدف از ناتوی آسیایی به چالش گرفتن هژمونی چین به مثابه اژدهای زرد در حوزه ایندو- پاسیفیک و همچنین تلاشی برای آزاد و باز بودن منطقه هند- پاسیفیک است. واقعیت این است که فعالیت‌های چین برای پیشتازی در تعیین کنندگی مناسبات در ۱۰ سال اخیر در حوزه ایندو- پاسیفیک چشمگیر بوده است. در واقع آنچه چین به دنبال آن است، پیگیری منافع ملی از طریق اقدامات مداوم و تبدیل شدن به قدرت هژمون در اقیانوس هند و

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

اقیانوس آرام است. در شرایطی که تکاپوی چین در منطقه ایندو- پاسیفیک چشمگیر است، از این طرف ناتو قصد دارد بازوهای خود را از آنسوی اقیانوس اطلس تا آسیا و اقیانوسیه گسترش دهد و از این رو حضور کشورهایی نظیر ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزیلند به پیشوایی ایالات متحده آمریکا برای رسیدن به این هدف ضروری به نظر می‌رسد. این کشورها از منظر ارزشی و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی در آسیا و اقیانوسیه نماینده منطقه بشمار می‌روند و علاوه بر این منافع امنیتی پیچیده‌ای با چین دارند. بنابراین دلیل انتخاب آنها از سوی ایالات متحده آمریکا این است که چین را از نظر امنیتی کنترل کند. در واقع هدف آمریکا در ایندو- پاسیفیک ضمن به چالش گرفتن هژمونی چین، دفاع از متحدان خود مانند استرالیا، نیوزیلند، فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن ذیل معاهدات مختلف است. وضعیت هریک از این کشورها در قرار گرفتن در بلوک ایالات متحده آمریکا و به عبارتی قرار گرفتن در بلوک ناتوی آسیایی متفاوت است. در واقع همه این کشورها تمایل به تشکیل یک ناتوی آسیایی دارد و خواهان ایفای نقشی حیاتی در آسیا و اقیانوسیه می‌باشند. عامل کاتالیزور در شکل‌گیری و قوام ناتوی آسیایی وجود یک دشمن مشترکی چون کره شمالی است. در واقع واشنگتن از پیونگ یانگ به عنوان بهانه‌ای برای رسیدن به تفوق نظامی در منطقه و ایجاد اتحادی همانند ناتو استفاده می‌کند.

منابع و مآخذ

- ابراهیم خانی، حسین (۱۴۰۰) چین و کره شمالی، متحد یا شرکای ضرورت راهبردی؟ تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بهبودی نژاد، قدرت‌اله (۱۴۰۰) اتحاد مربع: ناتوی آسیایی برای مهار چین در ایندو- پاسیفیک، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سوم.
- تقوی نژاد، سید رضا (۱۴۰۰) اتحاد مربع: ناتوی آسیایی برای مهار چین در ایندو- پاسیفیک، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره سوم.
- دولتی، بهرام (۱۳۹۹) کره شمالی و راهبرد اقتصاد موشکی و اتمیزه شده، فصلنامه راهبرد، سال دوازدهم، شماره چهارم.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

- سازمند، بهاره (۱۳۹۸) متغیرهای منطقه‌ای اثر گذار بر تحولات امنیتی ژاپن، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۷، شماره ۶۱.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸) روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکرد ها، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، حمید (۱۳۹۸) واکاوی دلایل تمرکز آمریکا به سمت آسیا- پاسیفیک، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۵، شماره ۵۴.
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۸) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- موسوی، مسعود (۱۳۹۸) نئوجکسونیسم : الگوی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران دونالد ترامپ، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۵، شماره ۵۳.
- یزدان شناس، زکیه (۱۳۹۹) نظریه چرخه قدرت وتحولات ایالات متحده، بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، شماره ۵۹.

- Alterman, Jon. (2019). “Chinese and Russian Influence in the Middle East” Jon written testimony for the House Foreign Affairs Subcommittee on the Middle East, North Africa, and International Terrorism, Hearing on Chinese and Russian Influence in the Middle East, May 9, 2019, 5.
- Blumenthal, Dan (2020). “Economic Coercion as a Tool in China’s Grand Strategy,” Statement before the Senate Committee on Foreign Relations Subcommittee on East Asia, the Pacific, and InternationalCybersecurity Policy, July 24, 2018,available at: https://www. foreign. senate.
- Copp, Tara (2018). “INDOPACOM, it is: US Pacific Command gets renamed,”Military Times, May 30, 2018, https://www. militarytimes. com/news/your military/2018/05/30/indopacom-it-ispacificcommand-gets-renamed/.
- Cox, M. (1997). The reluctant sheriff: The United States after the Cold War. Oxford University Press.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

- Mearsheimer, J. J. (2001). The tragedy of great power politics. WW Norton & Company.
- Walt M. Stephen(1986) “Alliance: Balancing and Bandwagoning”, in Stephan M. Walt,(Eds). The Origins of Alliances, Cornell University Press
- Walt, Stephen M. , (1988) Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia, International Organization, Vol. 42, No. 2.
- Walt, Stephen, (2009) Alliances in a unipolar world. World Politics, 61(01), 86-120
- Waltz, Kenneth (1979) Theory of International Politics. 1st ed. Reading, Mass: Addison-Wesley.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]

Backgrounds and Factors of Formation of Asian NATO According to the Hegemonic Stability Model

Mojtabi Ardalan Moghaddam
Alireza Rezaei
Mohammad Reza Qaidi

Abstract
Asian NATO is a new alliance that was created under the leadership of the United States of America, along with South Korea and Japan, under the rise of China. The necessity of containing China by the United States of America is the basis of this new alliance. In other words, if NATO was formed in Europe to confront Russia, this NATO was formed to confront China. Washington's goal in creating this NATO is to contain China and then an effort to make the Indo-Pacific region free and open. The main purpose of the present study is to examine the backgrounds and factors of the formation of Asian NATO in an explanatory-descriptive manner. The main question of the present study is: What backgrounds and factors are the reasons for the formation of Asian NATO? In response to the above question, the research hypothesis is that: The context and factors of the formation of the Asian NATO are due to the context and factors such as: the existence of a common threat such as North Korea for South Korea and Japan, as well as the Beijing-Pyongyang coalition strategy in the territorial life of the peninsula, and the necessity of containing China by the United States through the Indo-Pacific strategy. It should be noted that the method of collecting data and information is documents that have been carried out by referring to the library and article archives, as well as searching virtual and Internet networks. The present study has used the theoretical model of the balance of threat.
Keywords: Asian NATO, balance of threat, China, United States, South Korea, Japan.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2025-12-08]